

سلسله مباحث عملیات نهضت مقاومت (۲)

مقاومت از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین (ع)

علی رحمتی

چکیده

مقاومت، جهاد، پایداری و استقامت واژه‌ای قرآنی به معنای محکم بودن، پابرجا بودن و ثبات است. مقاومت و استقامت، روح عبادت است. روح است که اعمال و عبادت عامه بدان احیا می‌شود و حالت نشاطی است که قلب به وسیله آن زنده می‌شود و موجب استقامت حال انسان با مولای خویش می‌گردد. حقیقت مقاومت و استقامت یعنی از اعتدال بر طریق حق بودن. پس در این راستا خداوند متعال دوست دارد کسانی را که در راه او مجاهدت و فداکاری می‌کنند را دوست می‌دارند؛ چرا که یک صف واحد و دارای بنیان استوار می‌تواند در مقابل ظالمان بایستد و قانون و مقررات الهی را پیاده کنند. در روایات اسلامی، دفاع به عنوان نیازی حیاتی است که موجب رشد و بالندگی و امنیت و هدایت جامعه می‌شود و در صورت ترک یا سستی در آن، پی‌آمدهایی زیانبار به دنبال خواهد داشت؛ پیامدهایی چون: از دست دادن رشد و بالندگی و گرفتار بلاها و فتنه‌ها شدن. از طرفی بی‌خردی، جامعه را فرا می‌گیرد و عدالت و ارزش‌های انسانی و الهی از میان می‌رود و فساد و بی‌عدالتی جایگزین آن می‌شود.

کلید واژه: جهاد، مقاومت و پایداری، استقامت و صبر، ایمان، دفاع

مقدمه

فرهنگ مقاومت، ایثار، شهادت و پایداری از ویژگی‌های ادیان الهی، به ویژه دین مقدس اسلام است. به طور کلی فداکاری و از خود گذشتگی فقط در منطق ادیان الهی مفهوم پیدا می‌کند.

اسلام به عنوان آخرین دین الهی و قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی که جهانی و هم ابدی است، بر مقاومت، پایداری، استقامت، جهاد و شهادت طلبی که از مهم ترین عوامل پیروزی مسلمانان است، تأکید می‌کند.

ایمان به اسلام و آخرت چنان تحول روحی در مسلمانان صدر اسلام ایجاد کرده بود که از مرگ در راه دین و شهادت استقبال می‌کردند. نوید (اجر عظیم)، بهشت ابدی، رضایت الهی و پیروزی بزرگ برای مسلمانان، آنها را به حضور، در میدان‌های جهاد و جانبازی در راه خدا تشویق می‌کرد. به دلیل همین نویدها که خداوند از طریق رسولش به مردم می‌داد و تشویق مسلمانان به جهاد و مبارزه و پیشروی به سمت اهداف اسلامی، آنان برای حضور در میدان جنگ و نیل به شهادت از یکدیگر سبقت می‌جستند.

بدون شک یکی از عوامل موفقیت اسلام برای رسیدن به اهداف و گشودن قلب‌های انسان‌های شیفته حقیقت، اما گرفتار در سرزمین‌های کفر در کمتر از نیم قرن، فرهنگ مقاومت، ایثار و شهادت طلبی در این مکتب بوده است. مکتبی که جهاد، مقاومت و پایداری در راه خدا راهی برای رسیدن به احدی الحنین است و در این مکتب شکست معنی ندارد.

در عصر حاضر، نهضت مقاومت و شهادت طلبی، مسلمانان را از ظلم و بی عدالتی مستکبران عالم، نجات داده است و موجب رهایی آنها می‌شود.

یکی از روش‌های دفاعی که مسلمانان علیه متجاوزان به کار گرفته‌اند، عملیات نهضت مقاومت و شهادت است. این نوع عملیات در جهان امروز بُرنده‌ترین سلاح علیه استکبار و صهیونیسم جهانی و اسرائیل غاصب است. اجرای این گونه عملیات، اختصاص به مردم و سرزمین خاصی ندارد و شامل هر فرد، اعم از مسلمانان و یا کشورهای اسلامی که مورد تجاوز و اشغال قرار می‌گیرند می‌شود.

در نتیجه ضروری است مسلمانان برای دفاع از دین، کشور و ناموس خودشان با بهره‌گیری از آیات و روایات معصومین (ع) با هر وسیله‌ای که می‌توانند و یا با به کار گرفتن هر شیوه و آمادگی‌های لازم دفاعی و آموختن عملیات نهضت مقاومت و شهادت، به یکی از شیوه‌های مناسب و باارزش دفاعی، در مقابل دشمنان به پا خیزند.

۱- جایگاه نهضت مقاومت در آیات قرآن کریم

جهاد و مقاومت در آیات قرآن به عنوان تکلیف و وظیفه دینی برای حاکمیت دین الهی در روی زمین واجب شده است. خداوند متعال می‌خواهد همه بندگان به اطاعت و بندگی او گردن نهند و توحید را زینت‌بخش حیات خود سازند و شرک و بت‌پرستی را که موجب فساد و تباهی دین و دنیا است، کنار بگذارند و حاکمیت زمین از آن بندگان صالح خدا شود. از این رو، آیات بسیاری در قرآن پیرامون جهاد و مقاومت نازل شده است که به بخشی از آن اشاره می‌شود.

استقامت و مقاومت واژه‌ای قرآنی به معنای محکم بودن، پابرجا بودن و ثبات است، و به عبارتی راست ایستادن و پایداری کردن در انجام امور. کسی مقاوم است که در طریق انجام امور استقامت کند. مقاومت و استقامت روح عبادت است. روح است که اعمال و عبادت عامه بدان احیا می‌شود و حالت نشاطی است که قلب به

وسيله آن زنده می شود و موجب استقامت حال انسان با مولای خویش می گردد. حقیقت استقامت و مقاومت عبارت است از اعتدال بر طریق حق بودن. پس در این راستا به آیات مختلف اشاره می شود.

(۱) «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنِينَ»

مَرَّصُونَ». (سوره صف، آیه ۴)

«به درستی که خداوند، دوست دارد کسانی را که در راه او مجاهدت و فداکاری می کنند، چون یک صف واحد و دارای بنیان محکم.»
-پیام آیه: در تربیت، قهر و مهر لازم است. برای بازداشتن از کار ناپسند انذار لازم است. کارهای سخت انگیزه های قوی لازم دارد و بالاترین انگیزه ها محبوب خدا شدن است.

(۲) «يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ

الصَّابِرِينَ». (سوره بقره، آیه ۱۵۳)

«ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر و استقامت و نماز کمک بگیرید؛ زیرا خداوند با صابران است.»

-پیام آیه: ایمان اگر همراه با عمل، توکل، صبر و عبادت باشد کاربرد بیشتری خواهد داشت. صبر و نماز وسیله جلب حمایت الهی است.

(۳) «وَكَايْنِ مِّنْ نَّبِيٍّ قَتَلَ مَعَهُ رِيشُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۴۶)

«آنان هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا سختی‌ها و کاستی‌ها می‌رسید، ست و نگران نگردیدند و تن به تسلیم نسپردند و خداوند، استقامت کنندگان را دوست دارد.»

-پیام آیه: تاریخ انبیا همواره همراه با مبارزه بوده است. جنگ و جهادی حق است، که زیر نظر رهبر الهی باشد. ایمان به خدا سرچشمه مقاومت است و چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی همراه با آنها جنگ کردند.

(۴) «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (سوره بقره، آیه ۲۵۰)

«و هنگامی که در برابر جالوت و سپاهیان او قرار گرفتند، گفتند پروردگارا پیمانه شکیبایی و استقامت را بر ما بریز و قدم‌های ما را ثابت بدار و ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.»

-پیام آیه: پیروزی در جنگ زمانی با ارزش است که هدف رزمندگان برتری حق بر باطل باشد نه برتری یکی بر دیگری.

(۵) «بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُعَذِّبُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۲۵)

«آری، امروز هم اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند مدد خواهد داد»

-پیام آیه: استقامت و تقوا عامل نزول فرشتگان و امدادهای غیبی است، از دشمن غافل نشویم که هجوم او خشمگینانه است.

(۶) «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا^ط وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ^ط الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ بِمَا صَبَرُوا^ط وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ». (سوره اعراف، آیه ۱۳۷)

«و مشرق‌ها و مغرب‌های پربرکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده و زیر زنجیر ظلم و ستم واگذار کردیم، و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل به خاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت و آنچه فرعون و فرعونیان از کاخ‌های مجلل می‌ساختند، و آنچه از کاخ‌های داربست‌دار فراهم ساخته بودند، درهم کوبیدیم»

-پیام آیه: حمایت خداوند از مستضعفان، مخصوص بنی اسرائیل نیست، بلکه یک سنت دایمی است. حکومت انبیا حکومت مستضعفان است. خداوند بی‌کم و کاست به وعده‌هایش عمل می‌کند.

(۷) قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ

الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ. (سوره یونس، آیه ۸۹)

«فرمود دعای شما پذیرفته شد! استقامت به خرج دهید، و از راه و رسم کسانی که نمی‌دانند تبعیت نکنید.»

-پیام آیه: دعای انبیا مستجاب است. پس از قبولی دعا، صبر و پشتکار لازم است. پیروی از اهل علم جایز است.

(۸) «وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَأَصْبِرْ حَتَّىٰ يَخْرُجَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ

الْحَاكِمِينَ». (همان، آیه ۱۰۹)

«و از آنچه بر تو وحی می‌شود پیروی کن و شکیا باش و استقامت نما، تا خداوند فرمان پیروزی را صادر کند و او بهترین حاکمان است!»

-پیام آیه: مردم چه ایمان آورند چه کفر ورزند نباید از دستورهای وحی جدا شویم. انبیا تسلیم وحی‌اند، پیروی از وحی نیاز به صبر دارد و رهبر باید صبور باشد.

(۹) «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا

قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ». (سوره هود، آیه ۴۹)

«اینها از خبرهای غیب است که به تو ای پیامبر وحی می‌کنیم، نه تو، و نه قومت، اینها را پیش از این نمی‌دانستید! بنابراین صبر و استقامت کن، که عاقبت از آن پرهیزگاران است!»

-پیام آیه: سالم‌ترین و مفیدترین اخبار تاریخی را باید از طریق وحی دریافت کرد. میزان علم به غیب انبیا به همان مقداری است که خداوند در اختیار آنان قرار داده است. صبر و تقوی هر دو لازم و شرط پیروزی است. سرانجام، حق پیروز و باطل رفتنی است.

(۱۰) «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ». (سوره هود، آیه ۱۱۲)

«پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن، و همچنین کسانی که با توبه سوی خدا آمده‌اند باید استقامت کنند! و طغیان نکنید، که خداوند آنچه را انجام می‌دهید، می‌بیند!»

-پیام آیه: نتیجه تاریخ انبیا استقامت است. استقامت در دین، پاداش الهی را در پی دارد.

(۱۱) «إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ». (سوره المؤمنون، آیه ۱۱۱)

«من امروز آنها را به خاطر صبر و استقامتشان پاداش داده‌ام، آنها پیروز و رستگارند!»

-پیام آیه: پاداش صابران از طرف خود خداوند است؛ رستگاری در سایه استقامت است.

(۱۲) «الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ». (سوره العنکبوت، آیه ۵۹)

«همانها که در برابر مشکلات صبر و استقامت کردند به پروردگارشان توکل می کنند.»

-پیام آیه: صبر و توکل دو نمونه روشن از عمل صالح است.

(۱۳) «إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ

وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (سوره العصر، آیه ۳)

«مگر کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند، یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند!»

-پیام آیه: تنها راه جلوگیری از خسارت، ایمان و عمل است. سفارش به صبر به همان اندازه لازم است که سفارش به حق. بدون ایمان و عمل صالح و سفارش دیگران به حق و صبر، خسارت انسان بسیار بزرگ است. اقامه حق به استقامت نیاز دارد.

(۱۴) «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِيعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا» (سوره

الانسان، آیه ۲۴)

«پس در تبلیغ و اجرای حکم پروردگار شکیا و استقامت داشته باش، و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن!»

-پیام آیه: پایداری و صبر در انجام فرمان پروردگار ارزش دارد نه در پافشاری به سلیقه های خود. فرمان الهی برای رشد انسان است.

(۱۵) «وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ» (سوره الطور، آیه ۴۸)

«در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن؛ چرا که تو در حفاظت کامل ما قرار داری! و هنگامی که برمی خیزی پروردگارت را تسبیح و حمد گوی!»
-پیام آیه: در برابر افراد لجوج باید صبر و مقاومت کرد. حکم خداوند در جهت رشد انسان است.

(۱۶) «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (سوره آل عمران، آیه ۱۷۳)

«اینها کسانی بودند که مردم به آنها گفتند: «دشمنان برای حمله به شما اجتماع کرده اند، از آنان بترسید»، اما ایمانشان افزون تر گشت و گفتند؛ خدا ما را کافی و بهترین حامی است.»

-پیام آیه: در برابر تبلیغات و جنگ روانی دشمن نهراسید. در جبهه مواظب افراد نفوذی دشمن باشید. قوی ترین اهرم در برابر تهدیدات دشمن، ایمان و توکل به خدا است.

(۱۷) «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ

تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا

تَعْلَمُونَهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ
إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ. (سوره انفال، آیه ۶۰)

«هان، ای کسانی که ایمان آوردید! آیا می‌خواهید شما را به تجارتی راه نمایم که از عذاب دردناک نجاتتان می‌دهد؟ آن تجارت این است که به خدا و رسولش ایمان آورید و در راه خدا با اموال و جان‌هایتان جهاد کنید، این برای شما بهتر و خیر است، چنانچه بنای فهمیدن داشته باشید.»

پیام آیه: مسلمانان باید آمادگی رزمی کامل در برابر خیانت و حمله دشمن را داشته باشند. هدف از آمادگی رزمی حفظ مکتب و وطن مسلمانان است. همه جا مذاکره و گفتگو کارساز نیست گاهی باید توان و قدرت به میدان آید. ایجاد رعب در دل دشمن با هر وسیله‌ای حتی باظاهر سازی لازم است. وحدت و یکپارچگی هم نوعی قدرت است.

(۱۸) «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ
لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ
حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ
فَأَسْتَبْشِرُوا بِالَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.»
(سوره توبه، آیه ۱۱۱)

«خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموال‌شان را خریداری می‌کند که در برابرش بهشت برای آنان باشد، به این گونه که آنان در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته

می‌شوند، این وعده حقی است در تورات و انجیل و قرآن، آن را متذکر شده است. و چه کسی به عهدش، از خدا وفادارتر است؟ اکنون بشارت باد، بر شما به دادوستدی که با خدا کردید و این پیروزی بزرگی برای شما است.

-پیام آیه: خداوند، تنها از مؤمن خریدار است نه از منافق و کافر. هدف مؤمن از جنگ ابتدا نابود کردن باطل است و اهل آن و سرانجام شهادت است.

(۱۹) «وَقَتِّلُوا مِمَّ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ

فَإِذَا أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (سوره انفال، آیه ۳۹)

«ای مؤمنان با کافران جهاد کنید که در زمین فتنه و فساد دیگری نماند و آیین همه دین خدا گردد و چنانچه دست از کفر کشیدید خدا به اعمالشان بصیر و آگاه است.»

-پیام آیه: هدف از جهاد در اسلام، رفع فتنه و سلطه کفار و ایجاد فضای سالم برای دعوت به حق است. دشمنان در هر مقطع که دست از جنگ بکشند با آنها برخورد مناسب در همان مقطع می‌شود.

(۲۰) «وَأَنْ نَّكُونُ أَیْمَنُهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ

فَقَتِّلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَنَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُوْنَ» (سوره توبه، آیه ۱۲)

«و هرگاه آنها سوگند و عهدی که بسته‌اند بشکنند و در دین شما تمسخر و طعن زنند در این صورت با آن پیشوایان کفر و ضلالت کارزار کنید که آنها را عهد و سوگند استواری نیست.»

-پیام آیه: کفر توهین به اسلام، اعدام است. جهاد اسلامی برای دفاع از مکتب است. هر سوگندی شما را نفریبد، سوگند پیمان شکنان بی اعتبار است.

(۲۱) «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (سوره نساء، آیه ۷۶)

«اهل ایمان در راه خدا و کافران در راه شیطان جهاد می کنند پس شما مؤمنان با دوستان شیطان بجنگید و (از آنها هیچ بیم و اندیشه مکنید) که مکر و سیاست شیطان بسیار مست و ضعیف است.»

-پیام آیه: لازمه ایمان جهاد با کفر است. جهاد اسلامی در راه خدا و برای حفظ دین است. مثلث کفر، طاغوت و شیطان، پیوند محکمی دارند. پایان خط طاغوت و راه شیطان ناکامی است.

(۲۲) «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (سوره بقره، آیه ۲۱۶)

«حکم جهاد برای شما مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و مکروه است؛ اما چه بسیار شود که چیزی را شما ناگوار شمارید ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده و چه بسیار شود که دوستدار چیزی هستید و در واقع شر و فساد شما در آن است و خداوند به مصالح امور داناست و شما نادانید.»

-پیام آیه: ملاک خیر و شر، آسانی و سختی و یا تمایلات شخصی نیست، بلکه مصالح واقعی ملاک است و نباید به پیشداوری خود تکیه کنیم. کراهت و محبت نفسانی نشانه شر و خیر واقعی نیست. جنگ و جهاد در راه دین مایه خیر است.

(۲۳) «إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ

وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (سوره توبه، آیه ۳۹)

«بدانید که اگر در راه دین خدا برای جهاد آماده نشوید خدا شما را به عذابی دردناک معذب خواهد کرد و قومی دیگر برای جهاد به جای شما بر می گمارد و شما به خدا زبانی نرسانیده اید و خدا بر هر چیز تواناست.»

-پیام آیه: کیفر ترک جبهه هم عذاب و ذلت دنیاست و هم عقوبت دوزخ در آخرت. کسی که قدرت بی نهایت دارد هرگز ضربه و ضرر نمی بیند.

(۲۴) «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَتِّلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا

يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ». (سوره بقره، آیه ۱۹۰)

«در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید، اما ستمکار نباشید که خدا ستمگر را دوست ندارد.»

-پیام آیه: دفاع و مقابله به مثل از حقوق انسانی است. اگر کسی با ما جنگید ما هم با او می جنگیم. هدف از جنگ در اسلام گرفتن آب و خاک و یا استعمار و انتقام نیست، بلکه دفاع از حق می باشد. در جنگ هدف باید فقط خدا باشد.

(۲۵) «وَالْعَدِيَّتِ صَبْحًا» (۱) «فَالْمُورِيَّتِ قَدْ حَا» (۲) «فَالْمَغِيرَتِ

صَبْحًا» (۳) «فَأَثَرُنَ بِهِ نَقَعًا» (سوره عادیات، آیه ۱)

«قسم به اسبان تندرو نفس افتاده، که خارج کننده آتش هستند، پس هجوم کننده در صبحند، و گرد و غبار برانگیختند.»

-پیام آیه: جهاد و دفاع به قدری ارزش دارد که خداوند به نفس اسب‌های زیر پای جهادگران سوگند یاد می‌کند. مسلمانان باید اسب‌سوار و چابک باشند. در جهاد با دشمن، سرعت عمل، یک ارزش است.

(۲۶) «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ»

«وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدِمَتْ صُومِعُ وَبِيعُ وَصَلَوْتُ»

«وَمَسْجِدُ يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»

«إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (سوره حج، آیه ۴۰)

«آن مؤمنانی که (به ظلم کفار) به ناحق از خانه‌هایشان آواره شده (و) جز آنکه می‌گفتند پروردگار ما خدای یکتاست (جرمی نداشتند) و اگر خدا رخصت جنگ ندهد و دفع شر بعضی از مردم را به بعض دیگر نکند همانا صومعه‌ها و دیر و کنش‌ها و مساجدی که در آنها نماز و ذکر خدا را باری کند، البته خدا او را یاری خواهد کرد که خدا را منت‌های اقتدار و توانایی‌هاست.»

-پیام آیه: آوارگی از وطن به خاطر عقیده به توحید روشن ترین نمونه مظلومیت است. برای حفظ مراکز دینی گاهی باید خون داد. امداد و نصرت الهی بعد از حرکت و تلاش ما است.

(۲۷) «وَقَتِّلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهَوْا فَلَا

عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ». (سوره بقره، آیه ۱۹۳)

«و با کافران جهاد کنید تا فتنه نباشد و همه را آیین خدا باشد، پس اگر از فتنه برگشتند پس ستم جز بر ستمکاران روا نمی باشد.»

-پیام آیه: هدف از جنگ در اسلام برچیدن شرک و فتنه و استقرار دین و قانون خداست. راه توبه و بازگشت بر هیچ کس و در هیچ شرایطی بسته نیست.

(۲۸) «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ». (سوره بقره، آیه ۲۰۵)

«و آنگاه که پشت کند در روی زمین تلاش می کند تا فساد کند و حاصل و نسل بشر را هلاک کند و خداوند دوست ندارد فساد را.»

-پیام آیه: نااهل اگر به قدرت رسد همه چیز را به فساد می کشد. بزرگ ترین خطر، نابودی اقتصاد و فرهنگ است.

۲- جایگاه نهضت مقاومت در روایات ائمه معصومین (ع)

۱- ۲- اهمیت مقاومت

مقاومت و ایثار، عمل ارزشمندی است، که در فرهنگ اسلامی با جهت گیری الهی آن، مورد توجه قرار گرفته است. در مسایل مالی و بذل جان برای پیشبرد و دفاع از اسلام و مسلمانان و منافع آنان، در راه خدا و برای خدا، دارای ارزش و اعتبار است. اگرچه فداکاری و گذشت، نزد همه ملت ها و فرهنگ ها وجود دارد و مورد ستایش و اعتبار است و الگوهای فداکاری برای آن مطرح است.

امام صادق (ع) می فرمایند:

«خداوند متعال پیامبر خود را به تکلیفی مکلف ساخت که هیچ یک از بندگانش را قبل از آن حضرت به چنین تکلیفی مکلف نفرمود. پیامبر اسلام را مأمور فرمودند با تمام مشرکان جهان به جهاد پردازند و اگر یآوری نیافتند به تنهایی به نبرد با کافران قیام کنند.»

«فقاتل فی سبیل الله... (ص) لا تکلف الا نفسك؛

پس در راه خدا پیکار کن؛ جز عهده دار شخص خود نیستی.»

آن حضرت را به چنین فرمانی عظیم و سهمناک فرمان دادن کشف از شایستگی فوق العاده و لیاقت بزرگی می کند و می رساند که آن وجود مقدس، لایق ترین و دارای قوی ترین اراده افراد بشر بوده است، چون تا خداوند عالم توانایی اطاعت امر را در کس نبیند، او را بدان فرمان نمی دهد. رسول اکرم فرمان حضرت حق را به کار بست و در برابر ناملازمات مقاومت کردند که نظیر آن دیده نشده است.

هنگامی که بیگانگان ایمان می آورند، مورد مهر آن حضرت بودند و از خویشان و نزدیکان بی ایمان عزیزتر بودند. هر کس ایمان نمی آورد از آن حضرت دور بود؛

اگرچه نزدیک‌ترین کسانی بود و هر کس ایمان می‌آورد نزدیک بود، هر چند دورترین بیگانگان بود.

وحشی حبشی، قاتل خیانت کار عموی عزیز آن حضرت هنگامی که اسلام آورد از خونش درگذشت و از انتقام خون عمویش حمزه صرف نظر کرد.

پس از ستایش خداوند عالم و درود بر پیغمبر اکرم (ص)، به درستی که جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را به روی دوستان خاص خویش گشوده است، جهاد لباس تقوی و پرهیزکاری است، و زره فراخ‌دامن، و سپر محکم خداوندی است. پس هر کس جهاد را ترک گفته و از روی میل و رغبت از آن سرباز زند خداوند لباس خواری را بر او می‌پوشاند و به بلاها و گرفتاری‌ها و سرافکنندگی‌ها و بی‌اعتباری‌ها مبتلایش می‌سازد. عقل و خرد از دلش زایل شده است و انواع خواری‌ها بدو روی می‌آورد و مراسم عدل و داد درباره‌اش اجرا نمی‌گردد. (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)

«فَخُذُوا لِلْحَرْبِ أَهْبَتَهَا، فَقَدْ شَبَّ لَهَا، وَعَلَّا سَنَاهَا، وَأَسْتَشْعِرُ وَالصَّبْرَ، فَإِنَّهُ أَدْعَى إِلَى النَّصْرِ».

«آماده پیکار شوید و سازوبرگ جنگ فراهم آورید؛ زیرا آتش جنگ زبانه کشیده و شعله‌های آن بالا گرفته است. صبر و استقامت را شعار خویش سازید که پیروزی می‌آورد. (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)

حضرت علی (ع) در نامه‌ای به حارث همدانی از یاران مخلص خویش که از فقهای بزرگ بوده، می‌فرماید:

«وَأَعْلَمُ أَنَّ أَفْضَلَ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُهُمْ تَقْدِيمَةً مِنْ نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ فَإِنَّكَ مَا تُقَدِّمُ مِنْ خَيْرٍ يَبْقَى لَكَ ذُخْرُهُ، وَ مَا تُؤَخِّرُهُ يَكُنْ لِغَيْرِكَ خَيْرُهُ».

او بدان، بهترین مؤمنان، آن بود که جان و خاندان و مال خود را در راه خدا پیشاپیش تقدیم کند، چه آن را که پیش فرستی برای تو اندوخته گردد، و آنچه را که باقی گذاری، سودش به دیگران می رسد. (نهج البلاغه، نامه ۶۹)

از میان پیامبران الهی نام شماری از آنان که در راه گسترش دعوت خویش دست به جهاد و مقاومت و مبارزه نظامی زده اند، در قرآن کریم آمده است که در زیر به برخی از آنان اشاره خواهد شد.

۱-۱-۲- حضرت ابراهیم (ع)

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است:

نخستین کسی که دست به جهاد در راه خدا زد، ابراهیم خلیل (ع) بود، آنگاه که سپاه روم، حضرت لوط (ع) را به اسارت گرفته بودند و حضرت ابراهیم (ع) با جهاد خویش، او را از دست آنان آزاد ساخت. (بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۶)

از این روایت چنان استنباط می شود که پیامبران پیش از حضرت ابراهیم (ع) برای ایفای رسالت الهی، یا مأمور به جهاد و مبارزه مسلحانه نبوده اند و یا شرایط برای آنان آماده و مناسب نبوده است، بلکه پیامبران پس از ابراهیم خلیل (ع) دست به مبارزه مسلحانه زده اند و قرآن، نام پیامبران پس از او را ذکر می کند؛ چون حضرت موسی (ع)، حضرت داود (ع)، حضرت سلیمان (ع)، حضرت عیسی (ع) و پیامبر خاتم (ص). (همان)

۲-۱-۲- حضرت موسی (ع)

بنی اسرائیل پس از نجات از چنگال فرعون، باید به دستور خداوند با قوم ستمگر و مشرکان می جنگید و سرزمین تحت تصرف آنان را آزاد می ساخت و خود در آنجا ساکن می شد.

«يَقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا

عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» (سوره مائده، آیه ۲۱)

«ای مردم! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته است، وارد شوید و به پشت سر خود باز نگردید و (عقب گرد نکنید) که زیانکار خواهید بود!»
سرزمین بیت المقدس، زیر سلطه عمالقه که قومی ستمگر، کافر و بت پرست بودند قرار داشت و می بایست بنی اسرائیل آن را آزاد و به پایگاه توحید مبدل می کرد، ولی بنی اسرائیل، در اجرای فرمان الهی سستی کردند و از جهاد سرباز زدند و با کمال گستاخی به حضرت موسی (ع) گفتند:

«قَالُوا يَمْوَسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَنْدْخُلُهَا حَتَّىٰ تَخْرُجُوا

مِنْهَا فَإِن تَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ» (همان، آیه ۲۲)

«ای موسی! در آن سرزمین قومی نیرومند و ستمگرند و ما هرگز وارد آن نمی شویم تا آنان خارج شوند. اگر آنان بیرون رفتند، ما وارد خواهیم شد!»
مؤمنان خدا ترس به یاری موسی برخاستند و قوم را نصیحت کردند، اما مؤثر واقع نشد و آنان بار دیگر گفتند:

«قَالُوا يَمْوَسَىٰ إِنَّا لَن نَّدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنتَ

وَرَبُّكَ فَقَتِيلًا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (همان، آیه ۲۴)

«ای موسی! تا آنان در آن سرزمین هستند، ما هرگز وارد آن نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید که ما همین جا نشسته ایم.»

۳-۱-۲- حضرت طالوت (ع)

در بعضی از آیات سوره بقره به بخش دیگری از مبارزه‌ها و جنگ‌های بنی اسرائیل پس از حضرت موسی (ع) اشاره دارد. خداوند به برکت حضرت موسی (ع) نعمت‌های فراوانی به بنی اسرائیل عطا کرد، ولی آن نعمت‌ها و پیروزی‌ها، اندک‌اندک باعث غرورشان شد تا آنجا که در دفاع از مکتب آسمانی سست شدند و با از دست دادن صندوق عهد (تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۷۴) و در اتحاد ملی، دچار اختلاف و پراکندگی گشتند. دشمن حمله کرد و آنان را از سرزمین فلسطین بیرون راند و فرزندانشان را به اسارت گرفت. این وضع، سالیان بسیار ادامه داشت تا آن که خداوند پیامبری به نام «سموئیل» برای نجات و ارشادشان برانگیخت. بنی اسرائیل که از ستم دشمنان به تنگ آمده بودند، گرد او جمع شدند و از وی خواستند که فرماندهی برای آن‌ها تعیین کند تا تحت فرماندهی اش با دشمن بجنگند. خداوند به درخواست سموئیل؛ حضرت طالوت (ع) را که از نظر بدنی، نیرومند و از نظر قوای روحی زیرک، اندیشمند و با تدبیر بود، به فرماندهی آنان برگزید. بنی اسرائیل به فرماندهی حضرت طالوت (ع) بدان دلیل که مردی فقیر و از خانواده‌ای

گمنام و روستایی بود، اعتراض کردند و از پیامبرشان نشانه‌ای خواستند. خداوند به عنوان نشانه تابوت (صندوق عهد) را که مدتی مفقود بود، باز گردانید. طالوت فرماندهی را بر عهده گرفت و بنی اسرائیل را برای جنگ با دشمنان آماده ساخت. در مسیر راه، نیروها تشنه شدند و حضرت طالوت (ع) به فرمان خداوند، برای اینکه آنان را آزمایش کند گفت: «به زودی به نهر آبی می‌رسید. کسانی که از آن بنوشند تا سیراب شوند، از من نیستند و آنان که جز مقدار کمی ننوشند، از یاران من هستند.» (ر.ک. بقره (۲)، ۲۴۹) همین که چشم لشکریان به آب افتاد، جز اندکی خود را از آب سیراب کردند.

حضرت طالوت (ع) با سیصد و سیزده نفر به استقبال دشمن به فرماندهی جالوت شتافت. سپاهیان اندک حضرت طالوت (ع)، از نیرومندی و فزونی سپاه جالوت به وحشت افتادند، اما مؤمنان آن جمع گفتند: «از فزونی دشمن نترسید، چه با نیروی اندک بر نیروی بسیار با یاری خدا پیروز شود.» در این گروه حضرت داود (ع) به چشم می‌آمد که نوجوانی بیش نبود و برای کمک به دو برادر خود در جنگ حضور یافته بود. او چند تکه سنگ، با فلاخنی که در دست داشت ماهرانه به سمت فرمانده دشمن پرتاب کرد. سنگ‌ها درست بر پیشانی جالوت نشست و در پیش چشمان سپاهیان بر زمین افتاد و کشته شد.

با کشته شدن او، رعب و هراس در دل سپاهیان افتاد و همگی گریختند و سپاه حضرت طالوت (ع) پیروز شد. (تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۶۵-۱۷۰)

۴-۱-۲- حضرت سلیمان (ع)

حضرت سلیمان (ع) فرزند حضرت داود (ع)، حکومتی بی نظیر و ارتشی بی مانند داشت و جن و انس و پرنده و چرنده در خدمت وی بودند. روزی هدهد از خورشیدپرستی قوم سبا بدو خبر داد.

وی بی درنگ نامه‌ای به بلقیس، ملکه سبا، برای ترک شرک و قبول توحید نوشت. چون پاسخی شایسته بدو ندادند، آنان را به جهاد و مبارزه تهدید کرد و با پیک ملکه سبا پیامی برایشان فرستاد:

«أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً

وَهُمْ صَافِرُونَ» (نمل، آیه ۳۷)

«به سوی آنان بازگرد و اعلام کن که ما با لشکریانی به سوی آنان می‌آییم که قدرت مقابله با آن را نداشته باشند و آنان را از آن سرزمین آباد به خواری و زیونی بیرون می‌رانیم.»

۵-۱-۲- حضرت عیسی (ع)

برخی پیامبران حضرت عیسی (ع) را پیامبر صلح و مخالف با جنگ و ستیز علیه ستمگران می‌دانند و اتهاماتی به آن وجود مقدس روا می‌دارند و بر آنند که حضرت مسیح (ع) گفته است: «اگر کسی بر گونه راستان سیلی نواخت، گونه چپان را نیز برای سیلی‌اش به پیش آورده‌ا» ولی حضرت مسیح (ع) نیز چون پیامبران دیگر دارای روحیه جهاد و مبارزه علیه مستکبران بود. گرچه فرصت آن را نیافت. دلیل این

حقیقت آن است که خداوند برای تأکید بر اهمیت جهاد مسلمانان، حواریون حضرت عیسی (ع) را به عنوان مثال ذکر می کند:

يَتَّيِّبُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا اَنْصَارَ اللّٰهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ
لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ اَنْصَارِيْ اِلَى اللّٰهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ

«ای کسانی که ایمان آوردید! یاوران خدا باشید؛ همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «چه کسانی در راه خدا یاوران منند» حواریون گفتند: «ما یاوران خداییم.» (صف، آیه ۱۴)

امام خمینی (قدس سره شریف) در این باره می فرمایند:

آن ها که خود را طرفداران حضرت عیسی (ع) جا زدند و ادعا می کنند که حضرت مسیح (ع) فرموده است که اگر چنانچه کسی به شما سیلی زد آن طرف صورتان را بگیرید تا سیلی بزند، گرچه این دروغ است، حضرت مسیح (ع)، پیغمبر بزرگ خدا چنین حرف غیر صحیحی را نخواهد زد. اگر به مسیح مجال داده بودند، همان طوری که موسی با قوم خودش با فراعنه عمل کرده بود، آن هم عمل می کرد، لکن مجال نداشت. (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۹)

۶-۱-۲- پیامبر اسلام (ص)

پیامبر گرامی اسلام (ص) برای دفاع از اسلام و قرآن، بیش از هشتاد غزوه و سریه را در مدت ده سال هدایت و رهبری کرد و دشمنان اسلام را در اهدافشان ناکام گذاشت. در این باره در ادامه به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۲-۲- ضرورت جهاد و مقاومت در اسلام و اهداف آن

اسلام طرفدار صلح و همزیستی مسالمت آمیز با تمام ملل دنیا است. در صورتی که طرف مقابل نیز خواهان همزیستی مسالمت آمیز و شرافتمندانه باشد. اما اگر مستکبران عالم بخواهند از ملت‌ها سلب آزادی کنند و شرافت و کرامت انسانی ملت‌ها را پایمال کنند و بر معتقدات، استقلال و آزادی آنان تجاوز کنند، ایستادگی در برابر آنان نه تنها نکوهیده نیست، بلکه واجب ضروری است.

علاوه بر رفع ظلم و ستم، دفاع از محرومان و مستضعفان دربرند، برداشتن موانع تبلیغات اسلام، حفظ امنیت و استقلال، سرکوب فتنه‌جویان و آشوب‌گران و مقابله با متجاوزان و مستکبران از اهداف جهاد و مقاومت در اسلام به شمار می‌رود.

روایاتی بسیار در عظمت و اهمیت جهاد در راه خدا نقل شده است که به عنوان

نمونه به چند روایت بسنده می‌کنیم:

(۱) پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

«الْخَيْرُ كُلُّهُ فِالسَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ» (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۹)

همه خوبی‌ها در شمشیر و زیر سایه آن است.

(۲) ابوذر غفاری از پیامبر اکرم (ص) پرسیدند: «کدام یک از اعمال نزد خداوند

دوست‌داشتنی‌تر است؟!»

آن حضرت فرمود: «ایمان به خدا و جهاد در راه او.»

پرسیدند: «کدامین جهاد از همه جهادها بهتر است؟»

فرمودند: «جهاد کسی که اسبش پی شود و خورش در راه خدا بر زمین ریزد.»

(۳) پیامبر اکرم (ص) گروهی مجاهد را به مأموریت اعزام فرمودند. نیروهای

اسلام، سحرگاهان به سوی محل مأموریت حرکت کردند. یکی از صحابه، به نام ابن

رواحه، ماند تا نماز صبح را با پیامبر (ص) بخواند. پس از نماز، رسول خدا (ص) او را دیدند و فرمودند: «مگر در سپاه نبودى؟!»

عرض کرد: «آرى بودم، ولى دوست داشتم نماز جماعت را با شما بخوانم و سپس به سپاه ملحق شوم.»

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ أَنْفَقْتُ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَدْرَكَتُ فَضْلَ غُدُوَّتِهِمْ»
(سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۰)

به خدایی که جان محمد (ص) دست اوست سوگند، اگر آنچه را در زمین است اتفاق کنی، فضیلت حرکت بامدادی آنان را درک نخواهی کرد.

(۴) امیر مؤمنان علی (ع) درباره جهاد می فرمایند:

«إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصِيهِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةِ وَجُنَّةُ الْوَثِيقَةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۳۷)

جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند تنها به روی اولیای خاص خویش گشوده است و آن لباس تقوا و زره نفوذناپذیر و سپر اطمینان بخش الهی بر پیکر مجاهدان است.

(۵) همچنین می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ الْجِهَادَ وَ عَظَّمَهُ، وَ جَعَلَهُ نَصْرَهُ وَ نَاصِرَهُ، وَاللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَ لَا دِينٌ إِلَّا بِهِ» (فروع کافی، ج ۵، ص ۸)

خداوند عزوجل جهاد را واجب کرده، و آن را بزرگ شمرده و یار و یاورش قرار داده است. به خدا سوگند که دنیا و دین جز با جهاد اصلاح نمی شود.

(۶) امام باقر (ع) در حدیثی گرانمایه خطاب به سلیمان بن خالد می‌فرماید: «آیا می‌خواهی از اصل، فرع و قله اسلام برایت بگویم؟» عرض می‌کند: «آری، ای فرزند رسول خدا.» امام (ع) می‌فرماید:

«أَمَّا أَصْلُهُ فَالصَّلَاةُ، وَفَرَعُهُ فَالزَّكَاةُ، وَذَرِئَتُهُ وَسَنَامُهُ الْجِهَادُ.» (بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۳۹۲)

اصل و عمود (خیمه) اسلام، نماز و فرع آن زکات و قله و اوج عظمتش جهاد است.

جهاد اسلامی، دارای اهدافی بس مقدس و والا است که همین ویژگی موجب برتری‌اش از دیگر جنگ‌ها می‌شود. برخی از این اهداف عبارتند از:

۱-۲-۲- برداشتن موانع تحقق ارزش‌های بعثت

هدف از جهاد، کشتار نیست، بلکه برداشتن موانع تحقق ارزش‌های وحی، است که شرک، بت‌پرستی، کفر و باطل‌گرایی از جلوه‌های بارز آن است.

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ آنْتَهُوا فَلَا

عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره، آیه ۱۹۳)

«و با آنها پیکار کنید تا فتنه (و بت‌پرستی، و سلب آزادی از مردم) باقی نماند و دین مخصوص خدا گردد.»

بنا بر گفته علامه طباطبایی، مراد از (فتنه) در آیه، شرک و بت‌پرستی است؛ مانند مشرکان مکه. شرک به خدای سبحان، موجب هلاک انسانیت و میراندن فطرت آدمی است و جهاد برای آن است که با از میان برداشتن شرک و بت‌پرستی، دین

توحید و یکتاپرستی را در جامعه گسترش می دهد و بدین وسیله از حیات و فطرت الهی آدمی دفاع می نماید. (المیزان، ج ۲، ص ۶۲ و ۶۶)

«وَالْجِهَادُ ماضٍ مُذْ بَعَثَنِيَ اللَّهُ إِلَى أَنْ يُقَاتِلَ آخِرَ أُمَّتِي الدَّجَالِ» (تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۰۱)

«جهاد همچنان ادامه دارد؛ آن روز که خدا مرا مبعوث کرد، تا زمانی که نسل واپسین امت من با دجال پیکار کند.»

«... وَلَعَمْرِي مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالٍ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ وَخَابَطَ الْغَيَّ مِنْ إِدْهَانٍ وَلَا إِيْهَانٍ»

«به جان خودم سوگند! در جنگیدن با کسی که از حق سرپیچیده و در راه گمراهی قدم نهاده است، مسامحه و سستی نمی کنم.»

امیرالمؤمنان علی (ع) با اشاره به هدف پیامبر (ص) در جنگ با مشرکان می فرماید: اما بعد ... (پیامبر) برای اسلام با یاری کسانی که سر به فرمانش بودند، به پیکار با مخالفان خود برخاسته است و آنان را به محل رستگاریشان سوق می داد و برای رها کردن ایشان از جهالت و نادانی مبادرت می فرمود. (فرهنگ آفتاب، ج ۴، ص ۱۹۱۴)

و در بیان دیگر می فرمایند:

پس (پیامبر ص) در راه خدا با کسانی که از خدا اعراض و دوری گزیده و مثل و مانند برایش قرار می دادند جهاد کرد. (همان، ص ۱۹۱۵)

امیرالمؤمنان علی (ع) در نبرد صفین بارها جنگ را به تأخیر انداختند تا شاید فریب خوردگان به راه نجات راه یابند و هدایت شوند و می فرمودند:

«من بیش از سرکوب آنان هدایتشان را دوست می دارم» (نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ص ۱۴۳، خطبه ۵۴)

هنگامی که پیامبر (ص) امیرالمؤمنان علی (ع) را به جبهه اعزام فرمود به وی سفارش کردند:

ای علی! به خدا سوگند! اگر خداوند به دست تو مردی را هدایت کند، برایت از هر آنچه خورشید بر آن می تابد و غروب می کند و تو حاکم آن باشی بهتر است. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۰)

۲-۲-۲- مبارزه با تبهکاران و گمراهان

برای مجازات تبهکاران و گمراهان که در فساد خود و جامعه پای فشارند و ستمگرانی که با پیروی از شیطان و هوای نفس، غرق در ظلم و ستیزه‌جویی با عدالت و تأویل حقایق و ترویج باطلند، جهاد بسیار کارساز و ستم‌برانداز است. امیرالمؤمنان علی (ع) درباره‌ی خوارج که با تأویل حقایق در اندیشه فتنه‌جویی بودند، می‌فرمایند:

«با کسانی که در اسلام با ما برادرند، به دلیل لغزش و انحراف و کجی و اشتباه و تأویل حقایق، ناگزیر از جنگ شده‌ایم.» (نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ص ۱۴۳، خطبه ۵۴)

۳-۲-۲- پاسداری از نظام و ارزش‌های الهی

حفظ نظام اسلامی و ارزش‌های الهی یک تکلیف است که در سایه جهاد تحقق می‌پذیرد. امیرمؤمنان(ع) در مورد جهاد با کسانی که نظام و ارزش‌های الهی را مورد هجوم قرار داده‌اند می‌فرماید:

«به هوش باشید که اینک شیطان حزب خویش را برانگیخته است و هوادارانش را فرا خوانده است، تا دیگر بار جور را به پایگاه‌های دیرینش باز گرداند و باطل را بر اریکه قدرت بنشاند. ... به جان خویشم سوگند، که در پیکار و سرکوبی آن‌ها که با حق ستیز کنند و ماندن در گمراهی همچنان پای بفشارند، کم‌ترین نرمش و سازشی نخواهم داشت.»

۴-۲-۲- دفاع از مرزها

دفع تجاوز دشمن به مرزهای کشور و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی جزء حقوق هر ملتی است. متجاوزی که با نادیده گرفتن قوانین و ارزش‌ها و حقوق ملت‌ها، به خود اجازه تجاوز به کشوری را داده، جز پاسخ دندان‌شکن او را بر سر عقل نمی‌آورد. (نهج البلاغه، خطبه ۲۲)

امیرمؤمنان علی(ع) به مردم عراق، که مرزهایش مورد تجاوز و تاخت و تاز، احتمالاً قرار گرفته بود فرمودند: «وَبَادِرُوا جِهَادَ عَدُوِّكُمْ» (فرهنگ آفتاب، ج ۴، ص ۱۹۱۷) و در جهاد با دشمن پیشدستی کنید، و در مورد این که متجاوز جز پاسخ دندان‌شکن نمی‌فهمد فرمودند:

«پاره سنگ را به مبدأش باز گردانید، که شر را تنها شر دفع می‌کند.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۶)

۲-۳- اهداف جنگ‌ها و عملیات‌های پیامبر (ص)

- پیامبر اکرم (ص) در نبردهایش به ویژه با قریش اهداف زیر را پی می‌جستند:
- دفاع از اسلام و مسلمانان در برابر یورش نظامی دشمن؛
 - برداشتن موانع تبلیغ اسلام و نشر دین الهی؛
 - ریشه‌کن ساختن شرک و بت‌پرستی به عنوان یک عقیده باطل و خرافی؛
 - نمایش قدرت در برابر تبلیغات و تهدیدات مشرکان؛
 - کسب اطلاع از تحرکات دشمن؛
 - ناامن کردن راه‌های تجارتی قریش.
- مهم‌ترین عوامل شکست پس از پیروزی لشکریان اسلام، از زبان قرآن کریم عبارتند از:

- سرپیچی از دستورهای پیامبر اکرم (ص)؛
- سستی در جنگ؛
- دنیا طلبی؛
- اختلاف و دودستگی.

عوامل یادشده از آیه ۱۵۲، آل عمران استفاده می‌شود، می‌فرماید:

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِمَّنْ بَعْدَ مَا أَرْسَلَكُمْ مَا تُحِبُّونَ
مِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ
عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
(آل عمران، آیه ۱۰۲)

خداوند وعده خود را به شما (درباره پیروزی بر دشمن در احد) تحقق بخشید؛ در آن هنگام (که در آغاز جنگ)، دشمنان را به فرمان او، به قتل می‌رساندید، (و این پیروزی ادامه داشت) تا اینکه سست شدید؛ و (بر سر رها کردن سنگرها)، در کنار خود به نزاع پرداختید؛ و بعد از آن که آنچه را دوست می‌داشتید (از غلبه بر دشمن) به شما نشان داد، نافرمانی کردید. بعضی از شما را از آنان منصرف ساخت؛ (و پیروزی شما به شکست انجامید؛) تا شما را آزمایش کند. و او شما را بخشید؛ و خدا نسبت به مؤمنان فضل و بخشش دارد و درباره شایعه کشته شدن رسول خدا (ص) در قرآن می‌فرماید:

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
 أُنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا
 وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۴۴)

محمد (ص) فقط فرستاده خداست؛ و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟! (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟! و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی‌زند؛ و خداوند به زودی شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد کرد.

ویژگی‌های لشکریان اسلام در جهاد، مقاومت و شهادت

گرچه یهودیان با ویژگی‌های مذکور، به ظاهر در جایگاهی برتر بودند، سپاه اسلام نیز دارای ویژگی‌هایی بود که به پیروزی‌هایی بزرگی رسیده‌اند:

- فرماندهی بنی‌نظیر پیامبر اکرم (ص)؛
 - فداکاری و ایثار امیر مؤمنان (ع)، که نامش دشمنان اسلام را مرعوب می‌ساخت؛
 - محاصره مواضع و سنگرهای دشمن که تمامی کمک‌ها، پشتیبانی و امداد رسانی را به طور کامل از آنان باز می‌ستاند؛
 - هجوم ناحیه‌ای و فتح موضعی سنگرهای دشمن؛
 - استفاده از جنگ روانی؛
 - ایجاد شکاف میان نیروهای یهود و قطع ارتباط کامل آن‌ها؛
 - تقویت روح معنویت نیروهای اسلام؛
 - استفاده از اصل غافلگیری و تهاجم؛
 - امدادهای غیبی.
- وجود این ویژگی‌ها موجب شد که مواضع یهودیان در غزوة بنی قینقاع، بنی‌نظیر، بنی‌قریظه و خیبر، پی‌درپی، به تصرف نیروهای اسلام در آید.

نتیجه:

در روایات اسلامی، دفاع به عنوان نیازی حیاتی، که موجب رشد و بالندگی و امنیت و هدایت جامعه می‌شود، بیان شده است که در صورت ترک، یا سستی در آن، پی‌آمدهایی زیانبار خواهد داشت؛ پیامدهایی چون:

- جامعه دچار خواری و بی‌ارزشی خواهد شد و رشد و بالندگی را از دست خواهد داد؛

- توطئه‌ها، گرفتاری‌ها و انواع بلاها و فتنه‌ها دامنگیر جامعه خواهد شد؛

- قدرت تفکر و تصمیم‌گیری از جامعه سلب می‌شود و نشان بی‌خردی بر آن زده می‌شود؛ (جهاد از دیدگاه امام علی (ع)، نهج البلاغه، ص ۳۰)

- حق و عدالت و ارزش‌های انسانی - الهی از میان می‌رود و فساد و بی‌عدالتی جایگزین آن می‌شود.

پس دفاع را نباید به یکدیگر واگذار کرد و همدیگر را تنها گذاشت و سستی نشان داد.

کتابنامه

- امام خمینی، روح الله. صحیفه نور، ج ۱۹.
- جهاد از دیدگاه امام علی (ع)، نهج البلاغه.
- حر عاملی، محمد. وسائل شیعہ، ج ۱۱.
- دشتی، محمد، نهج البلاغه، انتشارات امیرالمؤمنین (ع) چاپ اول، سال ۱۳۸۱.
- رحمتی، علی. عملیات نهضت مقاومت، مرکز تالیف کتابهای درسی سپاه، سال ۱۳۹۰.
- فرهنگ آفتاب، ج ۴.
- قرآن کریم.
- مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار، ج ۹۷.
- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، ج ۲.
- ملا محمد علی، امیر. مبانی فقهی عملیات استشهادی از دیدگاه شیعه و اهل سنت.